

# طراحی مدل عوامل مؤثر بر شکل‌گیری فساد اقتصادی در ایران با رویکرد مدل‌سازی ساختاری - تفسیری

حسین بختیاری<sup>\*</sup>، علی صالح‌نیا<sup>\*\*</sup> و وحید سیفی<sup>\*\*\*</sup>

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۸/۱۶	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۲	شماره صفحه: ۳۳۶-۳۵۵
-------------------	-------------------------	-----------------------	---------------------

فساد اقتصادی همواره از جمله آسیب‌های مخرب بر پیکره حکومت‌ها و دولت‌ها بوده و این نقطه ضعف اساسی، ضمن ایجاد ناامیدی در مردم به ایجاد شکاف بین ملت و دولت منجر شده و تأثیر مستقیم بر متغیرهای امنیت ملی پایدار می‌گذارد؛ به طوری که می‌توان آن را از مهمترین تهدیدات امنیتی هر کشور محسوب کرد. با توجه به شرایط کنونی اقتصاد کشور و نیاز جدی به برنامه‌ریزی عملیاتی برای مقابله با فساد اقتصادی، لازم است تا با شناسایی مبنایی عوامل شکل‌گیری فساد اقتصادی و سطح‌بندی این عوامل، گام‌های عملی مؤثری برای مبارزه با فساد اقتصادی برداشته شود.

در مقاله حاضر که حاصل یک پژوهش عملیاتی و راهبردی در زمینه شناسایی عوامل مؤثر بر فساد اقتصادی و سطح‌بندی آنهاست؛ ابتدا به شناسایی عوامل فساد اقتصادی می‌پردازیم و سپس با توجه به مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و تکمیل پرسشنامه توسط دوازده نفر از خبرگان علمی و اجرایی و با استفاده از رویکرد مدل‌سازی ساختاری - تفسیری که یکی از پرکاربردترین روش‌های تحقیق در عملیات نرم است؛ به سطح‌بندی و مدل‌سازی این عوامل پرداخته‌ایم تا سیاست‌گذاران و مدیران جمهوری اسلامی ایران را در مبارزه با فساد اقتصادی به عنوان یکی از اصلی‌ترین تهدیدات امنیتی جمهوری اسلامی ایران یاری رسانیم. نتایج حاصل از مدل‌سازی با رویکرد ساختاری - تفسیری نشان می‌دهد مؤلفه‌های «بی‌ثباتی در نظام اقتصادی کشور»، «ناکارآمدی قوانین پیشگیری از فساد اقتصادی»، «امتیازهای انحصاری در اقتصاد» و «نهادینه شدن اقتصاد متکی بر نفت» در قسمت معیارهای مستقل قرار دارند که کلیدی‌ترین عوامل مؤثر بر شکل‌گیری فساد اقتصادی در ایران هستند.

کلیدواژه‌ها: فساد؛ فساد اقتصادی؛ مدل‌سازی؛ مدل تفسیری - ساختاری

\* استادیار دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق (ع)؛ Email: h.bakhtiari@isu.ac.ir

\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق (ع)؛

Email: salehnia.isu@gmail.com

\*\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق (ع) (نویسنده مسئول)؛

Email: vahidseyfi15@yahoo.com

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست‌ونهم، شماره یکصدونهم، بهار ۱۴۰۱

doi: 10.22034/MR.2021.4407.4339

## مقدمه

فساد اقتصادی یکی از مهمترین چالش‌های حکومت‌ها در تمامی کشورها بوده است. به این صورت که فساد اقتصادی در کشورها باعث سلب اعتماد عمومی جامعه به حکومت‌ها، کاهش سرمایه اجتماعی و کاهش اقتدار حکومت می‌شود. همواره حکومت‌ها در جهت کاهش فساد اقتصادی تلاش کرده‌اند تا جامعه را در تمام ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در ثبات و آرامش قرار دهند که از ملزومات اساسی این امر، کنترل و پیشگیری از بروز فسادهای اقتصادی است. اکثر مطالعاتی که در این زمینه انجام شده؛ تبیین مسئله به صورت نگاه خرد و جزئی با عنوان فساد اقتصادی در یک مسئله خاص بوده است، درحالی‌که در رویکرد کلان‌نگر می‌توان همه ابعاد و عوامل ایجادکننده فساد اقتصادی را بررسی کرد و مورد ارزیابی قرار داد تا راهکارها و الگوی مبارزه با فساد اقتصادی را با نگاهی راهبردی‌تر به دست آورد.

از جمله موانع جدی که در راه پیشرفت اقتصادی و جهش تولید کشور می‌تواند وجود داشته باشد؛ وجود مفسد اقتصادی در بخش‌های مختلف اقتصادی کشور است. بنابراین باید با شناخت عوامل ایجادکننده فساد اقتصادی در کشور، راهکارهای مقابله با آن عوامل را استخراج و عملی کرد تا مسیر همواری برای پیشرفت اقتصادی کشور ایجاد شود و بتوان ثبات و دوام این رشد اقتصادی را فراهم آورد.

فساد پدیده‌ای پیچیده و چندوجهی است که اشکال، عوامل و کارکردهای متنوعی در زمینه‌های مختلف دارد. پدیده فساد از یک عمل کوچک خلاف قانون تا عملکردهای نادرست در یک نظام سیاسی و اقتصادی در سطح ملی را شامل می‌شود و تعاریف «سوءاستفاده از قدرت عمومی» و «فساد اخلاقی» تا تعریف‌های قانونی خاص فساد با عنوان «رشوه‌خواری» یا «مبادله منابع محسوس» را در برمی‌گیرد (Jens, Odd-Helge and Amundsen, 2000).

فساد اقتصادی از مهمترین عوامل بازدارنده رشد اقتصادی و ناپایداری سیاسی به ویژه در کشورهای در حال توسعه است (Glenn, 2010). فساد اقتصادی در صورت استمرار و عدم کنترل آن موجبات تأثیرگذاری منفی بر رشد بلندمدت اقتصادی را فراهم می‌آورد. در این مقاله سعی شده است ضمن بررسی عوامل فساد اقتصادی با یک نگاه کلان

و جامع، عوامل مؤثر بر شکل‌گیری فساد اقتصادی در کشور را بررسی و سپس با استفاده از رویکرد مدل‌سازی ساختاری - تفسیری<sup>۱</sup> که از جمله پرکاربردترین روش‌های تحقیق در عملیات نرم است، شبکه روابط میان آنها را مشخص کنیم. بنابراین سؤالات اصلی پژوهش عبارتند از:

۱. عوامل اصلی مؤثر بر شکل‌گیری فساد اقتصادی در ایران کدام‌اند؟
  ۲. شبکه روابط عوامل مؤثر بر شکل‌گیری فساد اقتصادی چگونه است؟
- به نظر می‌رسد نتیجه این پژوهش می‌تواند کمک شایانی به اتخاذ راهکارهای مناسب برای مقابله با بروز مفاسد اقتصادی در کشور داشته باشد و مسیر هموار و باثبات‌تری را برای رشد اقتصادی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران فراهم کند.

## ۱. مبانی نظری

### ۱-۱. پیشینه پژوهش

در موضوع فساد اقتصادی پژوهش‌هایی در ابعاد مختلف انجام شده است که بیشتر متمرکز بر ابعاد اقتصادی و یا حقوقی بوده‌اند؛ به ویژه تحقیقاتی که رابطه بین فساد اقتصادی و رشد اقتصادی را بررسی می‌کند. تقوی و همکاران به «بررسی رابطه بین فساد اداری و رشد اقتصادی در کشورهای عضو اپک» پرداخته و با استفاده از روش شناسی کمی و تحلیل علی روابط بین متغیرها را بررسی و معناداری رابطه را نتیجه گرفتند (تقوی و همکاران، ۱۳۹۰: ۸۸). در مقاله دیگری نیز با استفاده از روش آماری تحلیل مؤلفه‌های اصلی، اجزای فساد مالی مبتنی بر متغیرهای کلان اقتصادی احصا و سپس تأثیرات آن بر رشد اقتصادی بررسی شده است (برومند، ۱۳۸۷: ۱۱۹). صباحی و ملک‌الساداتی در پژوهش دیگری با عنوان «اثر کنترل فساد مالی بر رشد اقتصادی» با استفاده از شاخص کنترل فساد تهیه شده توسط مؤسسه بانک جهانی، تأثیر فساد مالی بر رشد اقتصادی را در سه گروه کشورهای پردرآمد، کشورهای با درآمد متوسط و کشورهای کم‌درآمد در قالب یک مدل اقتصادسنجی و با بهره‌گیری از

تکنیک داده‌های تابلویی مورد بررسی قرار دادند (صباحی و ملک‌الساداتی، ۱۳۸۸: ۱۳۱). استفاده از داده‌های تابلویی و مدل‌های اقتصادسنجی نیز در تحقیقات مختلف به کار گرفته شده است. به عنوان نمونه کریمی پتانلر، بابازاده و حمیدی با استفاده از دو شاخص درک فساد و کنترل فساد به بررسی اثر فساد مالی بر ترکیب مخارج دولت در کشورهای منتخب در سال‌های ۲۰۰۷-۲۰۰۰ پرداخته‌اند (کریمی پتانلر، بابازاده و حمیدی، ۱۳۹۱: ۱۵۴). رویکرد نهادی در اقتصاد و به تبع آن احصای نهادها که مؤلفه‌هایی از امنیت اقتصادی را نیز دربرگرفته و شاخص‌هایی از فساد مالی و ضعف در قراردادهای و آزادی اقتصادی را نیز مورد توجه قرار داده، مدنظر بوده است (پاداش، حسن پور و خسروی، ۱۳۹۰: ۲۰۶). ارتباط بین آزادی اقتصادی و فساد مالی و استفاده از داده‌های مؤسسه بین‌المللی شفافیت برای انجام تحلیل‌های آماری آزمون فرضیات معناداری ارتباط بین متغیرها نیز مورد توجه برخی محققان بوده است (صامتی، شهنازی و دهقان شبانی، ۱۳۸۵: ۹۸).

بررسی‌های حقوقی فساد اقتصادی نیز پژوهش‌های دیگر این حوزه را تشکیل می‌دهند که کثرت آن بعد از بررسی‌های اقتصادی در رتبه دوم قرار دارد. در مقاله‌ای مهرانگیز روستایی به بُعد حقوقی و جرم‌انگاری فساد اقتصادی پرداخته و با احصای مفاهیم و مصادیق جرم اقتصادی به خسارات ناشی از جرائم اقتصادی به ارزیابی مداخله کیفری و ضرورت بازنگری در قوانین جاری کشور در این حوزه پرداخته است (روستایی، ۱۳۸۸: ۲۸). عباسی نیز در رساله دکتری خود به یکی از مصادیق مفاسد اقتصادی یعنی پولشویی و اقداماتی که در مجامع و کنوانسیون‌های بین‌المللی در زمینه مبارزه با آن شده پرداخته است و ضمن واکاوی پولشویی به عنوان یک پدیده نوظهور حقوقی و اقتصادی با نگاه حقوقی به ارتباط این جرم با سایر جرائم پرداخته و رویکرد نظام حقوقی ایران را نیز در این موضوع بررسی کرده است (عباسی، ۱۳۸۵: ۲). دادخدایی نیز ضمن مرور تاریخچه جرم اقتصادی و تحولات آن به تفاوت جرم اقتصادی با جرائم علیه اموال پرداخته و جرائم اقتصادی را به عنوان جرائم نوظهور مرتبط با عصر فناوری اطلاعات و توسعه مراودات اقتصادی دنیای فعلی دانسته است (دادخدایی، ۱۳۸۹: ۵۰).

بررسی‌های مدیریتی و سازمانی نیز در حوزه فساد مالی مطرح نظر بوده و مواردی

از قبیل دیوان‌سالاری یا بروکراسی و فرایندهای سازمانی پیچیده در مقالات مورد توجه بوده است. در رساله دکترای عظیمی، عطارفر و شائمی بزرگی در بررسی تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم عوامل مدیریتی و سازمانی بر فساد اداری - مالی، متغیرهای ضعف سیستم نظارت و کنترل، ضعف ارتباطات، ضعف مدیران در وظایف رهبری، بسیج منابع و سازماندهی و ضعف عوامل ساختاری، مهمترین شاخص‌های مدیریتی مؤثر بر فساد اداری - مالی شناسایی شده‌اند (عظیمی، عطارفر و شائمی بزرگی، ۱۳۹۰: ۶۱). مقابله با فساد در نظام حکمرانی اسلامی نیز مورد توجه بوده است و در پژوهش‌هایی سیره معصومین (ع) به عنوان الگوی مناسب و مطلوب برای برنامه‌ریزی و اقدام در راستای اولویت‌بخشی، کنترل و یا کاهش جرائم اقتصادی در کشور معرفی شده است که در نتیجه آن اقدامات پیشگیرانه، تأسیس نهادهای نظارتی، اتکا به گزارش‌های مردمی و در نهایت استفاده از ابزارهای سرکوبگرانه در اولویت قرار گرفته‌اند (سرکشیکیان، ۱۳۸۸: ۵۶). کریمی گلنار و عزتی نیز در مقاله‌ای با عنوان «طراحی شاخص بومی برای اندازه‌گیری فساد اقتصادی» به تدوین شاخص‌های اندازه‌گیری فساد اقتصادی مبتنی بر ارزش‌ها و فرهنگ ایرانی - اسلامی پرداخته‌اند (کریمی گلنار و عزتی، ۱۳۹۳: ۵۷).

در حوزه ارتباط بین فساد مالی و امنیت ملی نیز عمده‌تاً موضوع به سمت امنیت اقتصادی رفته و مسائلی همچون مصادیق مفاسد کلان اقتصادی، تیپ‌شناسی مجرمان اقتصادی و کارکردهای مخرب ناامنی اقتصادی بر جامعه بررسی شده است. به این معنا که عدم دستیابی به سطح مطلوب شاخص‌های رفاهی به ایجاد نارضایتی‌های عمومی منجر شده و امنیت جامعه را به خطر می‌اندازد (زمانی، ۱۳۸۸: ۴۵). در این باره بررسی نظریات مربوط به امنیت ملی پایدار همچون مؤلفه‌های توسعه اجتماعی مغفول است.

مقاله دیگری با تفکیک متغیرهای اقتصادی در سه دوره کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت تأثیرپذیری متغیرهای رشد اقتصادی از فساد مالی را بررسی است. نتایج تحلیل آماری داده‌ها نشان از بی‌معنا بودن اثر در کوتاه‌مدت و معنادار بودن در میان‌مدت و بلندمدت دارد (Nobuo, Horiuchi and Sakata, 2005: 2). استفاده از تحلیل‌های عامل‌بنیان و مدل‌سازی ریاضی متغیرهای فساد مالی و تأثیرات آن بر اقتصاد و بازار نیز

بررسی شده است (Blackburn and Powell, 2011: 225; Toke, 2003: 642; Everhart, 2009: 1579). بررسی تأثیرات فساد در بانکداری و تأمین مالی و سرمایه‌گذاری نیز مورد توجه قرار گرفته که ناظر بر تأمین مالی پروژه‌های فاقد توجیه‌پذیری توسط بانک‌هاست (Park, 2012: 907). مالیات و فعالیت‌های اقتصادی سیاه و اقتصاد زیرزمینی که به اقتصاد در سایه نیز تعبیر شده است و فساد در بخش‌های مختلف سازمانی و شرکت از جمله اقدامات منتج به فرار مالیات را شامل می‌شود نیز پژوهش‌هایی را به خود اختصاص داده است (Stavros, 2006; Jay and Marcel, 2002; Schneider, 2006).

## ۱-۲. مفهوم فساد اقتصادی

سوءاستفاده از قدرت برای کسب منفعت شخصی یا منافع گروهی، فساد تلقی می‌شود. فساد تجلی نوعی رفتار در مقامات دولتی است که به‌طور نادرست و غیرقانونی با سوءاستفاده از قدرت عمومی به نفع خود و نزدیکان انجام می‌شود. به عبارت دیگر فساد مالی به رفتاری اطلاق می‌شود که فرد برای تحقق منافع خصوصی خود و دستیابی به رفاه بیشتر یا موقعیت بهتر، خارج از چارچوب رسمی وظایف تعریف شده در شغل دولتی عمل می‌کند (کیانی و پورعزت، ۱۳۹۲: ۲۵).

تعریف سازمان شفافیت بین‌الملل از فساد عبارت است از: سوءاستفاده از قدرت عمومی به نفع منافع خصوصی. برای مثال پرداخت رشوه به مقامات دولتی، باج‌گیری در تدارکات عمومی یا اختلاس اموال عمومی (همدمی خطبه‌سرا، ۱۳۸۷: ۳۵).

بهترین و ساده‌ترین تعریف برای فساد مالی سوءاستفاده از قدرت و اختیارهای دولتی به منظور تأمین منافع شخصی است که بانک جهانی ارائه کرده است. در مواردی از فعالیت‌های بخش خصوصی که دولت آنها را تنظیم می‌کند نیز فساد مالی وجود دارد. در بسیاری از موارد افراد متخلف فقط با تأمین منافع شخصی از قدرت و اختیارهای دولتی سوءاستفاده نمی‌کنند بلکه هدف آنها تأمین منافع حزبی، طبقه اجتماعی، طایفه‌های قبیله‌ای و خانوادگی و ... است (شلالوند، ۱۳۸۴: ۱۳۴).

موضوع فساد و جرم اقتصادی در متون مختلف به شکل‌های متنوعی مورد بررسی قرار

گرفته و اغلب از آن به عنوان فساد و جرم مالی یاد شده و آن را مترادف با این واژه می‌دانند. تفاوت جرم با فساد از آنجا نشئت می‌گیرد که برای جرم، قانون مجازات تعیین کرده است ولی معیار اثبات فساد وجود مجازات قانونی نیست؛ بلکه ملاک تعریف فساد، انحراف از اخلاق و هنجارهای پذیرفته شده اجتماعی است. به این ترتیب چون مفاسد و جرائم اقتصادی به واسطه رفتارهای متقلبانه و تبانی کارکنان دولتی به وقوع می‌پیوندند، برخی پژوهشگران را واداشته تا آن را در چارچوب فساد اداری ارزیابی کنند (اعظمی مقدم، ۱۳۹۰: ۵۵).

فساد اقتصادی در یک نوع تقسیم‌بندی به ۹ حوزه قراردادهای اقتصادی، ارائه تسهیلات و وام‌های بانکی و صندوق‌های سرمایه‌گذاری، خریدهای کالا و خدمات، قاچاق کالا و ارز، پولشویی، خیانت در امانت‌های مالی، اعمال نفوذ اشخاص صاحب‌مناصب، زمین‌خواری، سوءاستفاده در برون‌سپاری و هرگونه مقاطعه‌کاری‌ها که به اشکال مختلف همچون اخذ رشوه، پورسانت، تبانی با طرف‌های قرارداد اعم از پیمانکاران و مشاوران جهت تسریع در پرداخت صورت‌وضعیت‌ها و یا برهم زدن نوبت منطقی دریافت مطالبات، تبانی با فروشندگان کالا یا خدمات و جعل اسناد و یا تهیه اسناد صوری، دریافت تسهیلات من‌غیروجه و عدم پرداخت اقساط در سررسید که به تبع آن افزایش مطالبات بانکی را به دنبال دارد (دادگر، ۱۳۸۲: ۹۹).

فساد رذیلتی است که باعث ایجاد مشکلات بی‌شماری در کشور می‌شود. مطالعات نشان می‌دهد که اعتماد شهروندان به حاکمیت را تضعیف می‌کند، رشد اقتصادی را کاهش می‌دهد، مانع سرمایه‌گذاری می‌شود و بی‌ثباتی سیاسی ایجاد می‌کند، اثربخشی سه قوه مقننه، مجریه و قضایی را تضعیف می‌کند. بنابراین برخورد با این مشکل اجتماعی ضروری است. روش‌های مختلفی مانند اجرای کارآمد قانون، مدیریت مالی کارآمد، شفافیت بالا و دسترسی به اطلاعات، پاسخگویی دولت و سیستم مالی بین‌المللی برای مقابله با فساد وجود دارد. در این میان نقش دولت الکترونیک به صورت استفاده از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات و اینترنت برای افزایش دسترسی به اطلاعات و ارائه همه‌جانبه خدمات دولتی به نفع شهروندان در مبارزه با فساد اهمیت ویژه‌ای دارد (1: Arayankalam, Khan and Krishnan, 2020).

دو نظریه در مورد اثرگذاری فساد اقتصادی بر رشد اقتصادی مطرح است (2: Gründler and Potrafka, 2019).

نظریه اول با اصطلاح «روانکاری چرخ‌های اقتصادی»<sup>۱</sup> شناخته می‌شود و بیانگر رابطه مثبت بین فساد اقتصادی و رشد اقتصادی است. در این نظریه فساد، مقررات ناکارآمد اقتصادی را دور می‌زند و باعث افزایش رشد اقتصادی می‌شود. زمانی که مقررات روی شروع فعالیت‌های اقتصادی سخت‌گیرانه و شدید است، کارآفرینان و بنگاه‌های اقتصادی با تطبیع سیاستمداران و نظام اداری موجب ایجاد فعالیت‌های اقتصادی می‌شوند. اما نظریه دوم که طرفداران زیادی دارد؛ نظریه «سنگ لای چرخ‌های اقتصادی»<sup>۲</sup> است. این نظریه بیان می‌کند که فساد اقتصادی موجب کاهش رشد اقتصادی، کاهش بهره‌وری در تولید و جلوگیری از نوآوری می‌شود. شواهد تجربی نشان می‌دهد که فساد اقتصادی در کشورهایی که نرخ سرمایه‌گذاری پایین و حاکمیت با کیفیت پایینی دارند موجب کاهش رشد اقتصادی می‌شود.

همواره رابطه بین فساد اقتصادی و رشد اقتصادی محل بحث پژوهشگران اقتصادی بوده است و بسیاری از مطالعات با استفاده از شواهد تجربی به آثار زیانبار فساد اقتصادی بر رشد اقتصادی دست یافته‌اند (Alfada, 2019: 2). به عنوان مثال مئون و ویل در مقاله خود با عنوان «آیا فساد اقتصادی موجب تأیید نظریه روانکاری چرخ‌های اقتصادی می‌شود؟» به این نتیجه رسیدند که در کشورهای در حال توسعه‌ای که دارای ساختارهای نهادی ضعیف هستند، فساد اقتصادی آسیب کمتری را به بهره‌وری اقتصادی می‌رساند و حتی در کشورهایی که دارای نهادهای خیلی ضعیف هستند؛ فساد اقتصادی و رشد اقتصادی می‌توانند رابطه مثبتی داشته باشند (Meon and Weill, 2010).

ارم و حسین نیز در سال ۲۰۱۹ در مقاله‌ای با عنوان «فساد، منابع طبیعی و رشد اقتصادی: شواهدی از کشورهای عضو اتحادیه سازمان اسلامی» به بررسی تأثیر فساد اقتصادی بر رشد اقتصادی پرداختند. نتایج مقاله آنان حاکی از آن است که فساد اقتصادی مانع رشد اقتصادی می‌شود و رابطه مهم و معنادار منفی بین فساد اقتصادی و رشد اقتصادی کشورهای عضو سازمان اسلامی وجود دارد (Erum and Hussain, 2019).

پژوهش‌هایی که درباره فساد اقتصادی انجام شده است، عمدتاً متمرکز بر موضوع فساد

---

1. Grease the Wheels

2. Sand the Wheels



اداری هستند و در صدد تبیین مفاسد اداری برآمده‌اند و از بیان علت‌های فساد اقتصادی به صورت مشخص چشم‌پوشی کرده‌اند. در تحقیق حاضر پس از بررسی مفاهیم فساد اقتصادی به دنبال تبیین علت این موضوع برآمده‌ایم تا علل فساد اقتصادی را در سلسله‌مراتب مختلف، با استفاده از روش مدل‌سازی ساختاری - تفسیری و براساس نظرهای نخبگان مسئله فساد اقتصادی کشور را به صورت روابط علی - معلولی تبیین کنیم.

## ۲. روش تحقیق

در پژوهش حاضر مباحث نظری از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و مراجعه به مقالات فارسی ولاتین در موضوع اقتصاد و فساد اقتصادی جمع‌آوری شده است. همچنین به منظور احصای عوامل مؤثر بر فساد اقتصادی از داده‌های مکتوب و مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با خبرگان استفاده شده است. در گام اول از این مصاحبه‌ها ۵۳ مانع احصا شد که با استفاده از روش دلفی به بیست مانع نهایی رسیدیم.

از آنجا که در این تحقیق بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری فساد اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران مدنظر است؛ باید به صورت جامع به بررسی پیچیدگی‌های این عوامل پرداخت. بنابراین در این پژوهش سعی شده ضمن استفاده از پژوهش‌های انجام شده و استفاده از روش دلفی<sup>۱</sup> به ارزیابی عوامل به دست آمده و احصای عوامل نهایی پرداخته شود و عوامل شکل‌گیری فساد اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران به دست بیاید که ورودی روش مدل‌سازی ساختاری - تفسیری قرار گرفت. عوامل به دست آمده عبارتند از:

---

۱. روش دلفی (Delphi Method) روش یا تکنیک ارتباطی ساختمان است که در اصل به منظور پیشگویی سامانمند و تعاملی با تکیه برهم‌اندیشی خبرگان ابداع شده و توسعه پیدا کرده است. این روش که در آینده پژوهی استفاده می‌شود عمدتاً اهدافی چون کشف ایده‌های نوآورانه و قابل اطمینان یا تهیه اطلاعاتی مناسب به منظور تصمیم‌گیری را دنبال می‌کند. روش دلفی فرایندی ساختاریافته برای جمع‌آوری و طبقه‌بندی دانش در نزد گروهی از کارشناسان و خبرگان است که از طریق توزیع پرسشنامه‌هایی در بین این افراد و بازخورد کنترل شده پاسخ‌ها و نظرهای دریافتی انجام می‌شود. تکنیک دلفی برای «شناسایی» و «غربال» از مهمترین شاخص‌های تصمیم‌گیری است. بنابراین با اینکه روش دلفی یک روش تصمیم‌گیری چندمعیاره نیست؛ اما در بسیاری موارد قبل از به‌کارگیری تکنیک‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره از این روش برای غربال شاخص‌ها یا رسیدن به یک توافق در زمینه اهمیت شاخص‌های تصمیم‌گیری استفاده می‌شود.

جدول ۱. عوامل مؤثر بر فساد اقتصادی در ایران

ردیف	عوامل
۱	چندشغله بودن مدیران
۲	خویشاوندپروری
۳	ضعف در تربیت نیروی انسانی متعهد
۴	ناکارآمدی قوانین پیشگیری از فساد اقتصادی
۵	ترویج فرهنگ راحت طلبی و درآمدزایی از طریق کار غیرمولد
۶	محدودیت‌های تجاری و تحریم‌های بین‌المللی
۷	بزرگ بودن بخش عمومی اقتصاد (بخش دولتی)
۸	امتیازهای انحصاری در اقتصاد
۹	نهادینه شدن اقتصاد متکی بر نفت
۱۰	بی‌ثباتی در نظام اقتصادی کشور
۱۱	نبود شفافیت اقتصادی
۱۲	عدم اجرای مناسب سیاست‌های خصوصی‌سازی
۱۳	محدودیت‌ها و سهمیه‌بندی‌های تجاری و ارزی
۱۴	نبود فرهنگ پاسخ‌گویی
۱۵	پیچیدگی فرایندهای اداری و قوانین
۱۶	اقتصاد زیرزمینی و پنهان در ساختار اقتصادی کشور
۱۷	ارتباطات پسا‌شغلی و اشتغال مدیران سابق دولتی در بخش خصوصی
۱۸	الکترونیکی نبودن عملیات‌های دولتی (الکترونیکی بودن دولت)
۱۹	ضعف در حمایت از حقوق مالکیت
۲۰	خلأهای قانونی و ساختاری در مقابله با فساد اقتصادی

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

برای این کار ابتدا با هفت نفر از خبرگان اقتصادی با سابقه حداقل ۱۰ سال تحصیلات اقتصادی و بیشتر (اساتید و دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاهی) در گرایش‌های مختلف اقتصادی با تسلط نسبی بر اقتصاد ایران با استفاده از روش نمونه‌گیری گلوله برفی مصاحبه و سپس با شناسایی خبرگان جدید توسط خبرگان قبلی، مجموعه نفرات مصاحبه شده به دوازده نفر افزایش یافت. مصاحبه‌شوندگان اضافه شده مدیران سیاستگذاری در

بخش‌های مختلف اقتصادی بوده و با سازوکارهای عملیاتی فعالیت‌های اقتصادی مختلف آشنا بودند.

جدول ۲. خبرگان تکمیل‌کننده پرسشنامه

مسهولیت	جنسیت	تحصیلات	خبرگان
دانشیار	مرد	دکتری	۱
دانشیار	مرد	دکتری	۲
استادیار	مرد	دکتری	۳
استادیار	زن	دکتری	۴
پژوهشگر	مرد	دکتری	۵
پژوهشگر	مرد	دانشجوی دکتری	۶
پژوهشگر	زن	دانشجوی دکتری	۷
مدیر ارشد دولتی	مرد	دکتری	۸
مدیر ارشد دولتی	مرد	کارشناسی ارشد	۹
کارشناس دولتی	مرد	کارشناسی ارشد	۱۰
مدیر بخش خصوصی	زن	کارشناسی ارشد	۱۱
مدیر بخش خصوصی	مرد	کارشناسی	۱۲

مأخذ: همان.

مدل‌سازی ساختاری تفسیری یکی از روش‌های طراحی سیستم‌ها، به ویژه سیستم‌های اقتصادی و اجتماعی است. مدل‌سازی ساختاری تفسیری، رویکردی است که با بهره‌گیری از ریاضیات، رایانه و مشارکت متخصصان به طراحی سیستم‌های بزرگ و پیچیده می‌پردازد. این رویکرد توسط وارفیلد که دانشمند علوم سیستمی دانشگاه جورج میسون بود، معرفی و توسعه داده شد. وارفیلد در دانشگاه باتل، ویرجینیا و جورج میسون بر روی تکنولوژی اجتماعی مدل‌سازی ساختاری - تفسیری و مدیریت تعاملی مطالعه می‌کرد (آذر، خسروانی و جلالی، ۱۳۹۲: ۲۵۷).

رویکرد مدل سازی ساختاری - تفسیری افراد و گروه ها را قادر می کند که روابط پیچیده بین تعداد زیادی از عناصر در یک موقعیت را ترسیم کنند و به عنوان ابزاری برای نظم بخشیدن و جهت دادن به پیچیدگی روابط بین متغیرها از آن استفاده کنند. در این بخش با تحلیل تأثیر یک عنصر بر عناصر دیگر، ترتیب و جهت روابط پیچیده میان عناصر یک سیستم بررسی و به این ترتیب پیچیدگی بین عناصر مشخص می شود (رجب پور، ۱۳۹۴: ۷۷).

روش مدل سازی ساختاری - تفسیری یک فرایند یادگیری - تعاملی است که مجموعه ای از عناصر متفاوت در قالب یک مدل نظام مند جامع ساختاردهی می شوند. این روش گزینه مناسبی برای مقابله با موضوع های پیچیده به خصوص در زمان بهره گیری از تفکر نظام مند و منطقی است. به طور کلی روش مدل سازی ساختاری - تفسیری تکنیکی است که بررسی پیچیدگی های سیستم را امکان پذیر کرده و آن را به گونه ای سازمان دهی می کند که به سادگی قابل درک باشد. از مزایای این روش می توان به یکپارچگی در ترکیب نظرات خبرگان و قابلیت کاربرد آن در مطالعه سیستم های پیچیده و دارای اجزای متنوع اشاره کرد (غضنفری و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۶۹).

برای اجرای این روش باید خبرگان پرسشنامه مقایسه زوجی استاندارد مدل سازی ساختاری - تفسیری را تکمیل کنند. در این پرسشنامه ارتباط مفهومی بین عواملی که استخراج شده است را مورد سنجش قرار می دهیم. با استفاده از این پرسشنامه به مدل سازی ساختاری تفسیری می رسیم که فرایندی متعامل است و مجموعه ای از عناصر مختلف و مرتبط با یکدیگر در یک مدل نظام مند جامع ساختار بندی می شوند. همچنین روابط درونی بین متغیرها را تشخیص و تأثیر یک متغیر را بر سایر متغیرها مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهد. در این پرسشنامه چهار نوع نشانگر برای بیان ارتباط مفهومی بین عامل ها وجود دارند که به شرح زیر است:

نشانگر V: متغیر i به متغیر j کمک می کند.

نشانگر A: متغیر j متغیر i را بهبود می بخشد.

نشانگر X: هر دو متغیر i و j به هم کمک می کنند.

نشانگر O: متغیرها هیچ ارتباطی با یکدیگر ندارند.



جدول ۴. قواعد ماتریس دستیابی

نماد مفهومی	i به j	j به i
V	.	۱
A	۱	.
X	۱	۱
O	.	.

مأخذ: همان.

به این ترتیب با توجه به قواعد جایگذاری صفر و یک به جای نمادها در هر سطر، عدد یک جایگزین  $v$  و  $x$  و عدد صفر جایگزین  $A$  و  $O$  در ماتریس خودتعاملی ساختاری می شود (همان). پس از اینکه ماتریس دستیابی اولیه به دست آمد، باید سازگاری درونی آن نیز برقرار شود. پس از تعیین روابط و سطح متغیرها می توان آنها را به شکل مدلی ترسیم کرد. از این رو ابتدا متغیرها برحسب سطح آنها به ترتیب از بالا به پایین تنظیم می شوند (همان). در مرحله بعدی با توجه به سطوح به دست آمده از متغیرها و ماتریس نهایی، یک مدل اولیه رسم می شود که از طریق حذف انتقال پذیری ها در مدل اولیه، مدل نهایی به دست می آید. روابط بین متغیرها و جهت پیکان از روی ماتریس نهایی مشخص می شود (Thakkar, Kanda and Deshmukh, 2011).

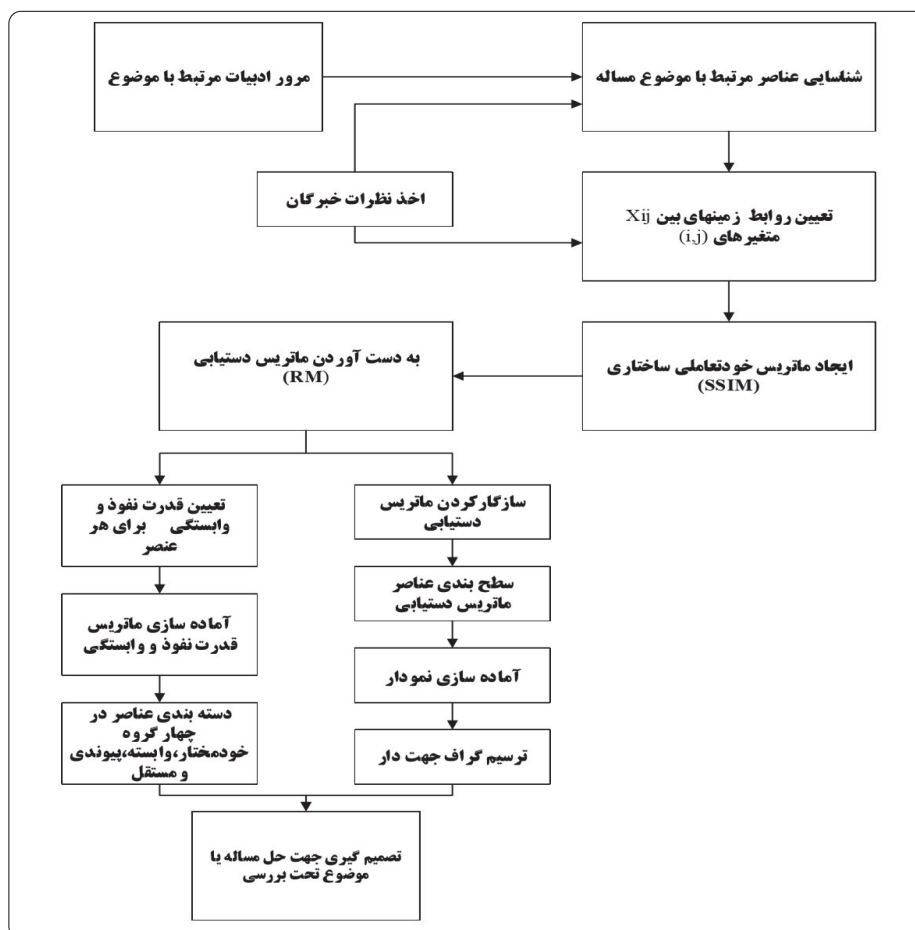
هنگامی که مدل نهایی تحقیق به دست آمد باید به تجزیه و تحلیل قدرت نفوذ و میزان وابستگی متغیرها پرداخته شود. متغیرها برحسب قدرت نفوذ و وابستگی به چهار گروه طبقه بندی می شوند:

- **متغیرهای خودگردان:** این متغیرها قدرت نفوذ و وابستگی ضعیفی دارند و تا حدودی از سایر متغیرها مجزا بوده و ارتباطات کم و ضعیف با سیستم دارند (Agarwal, Shankar and Tiwari, 2006).
- **متغیرهای وابسته:** از قدرت نفوذ ضعیفی برخوردارند ولی وابستگی بالایی دارند (Ravi and Shankar, 2005).

- **متغیرهای متصلی (پیوندی):** قدرت نفوذ و وابستگی بالایی دارند و غیرایستا هستند، زیرا هر نوع تغییر در آنها می‌تواند سیستم را تحت تأثیر قرار دهد. بازخورد سیستم نیز می‌تواند این متغیرها را دوباره تغییر دهد. در واقع هرگونه عملی بر روی آنها به تغییر سایر متغیرها منجر می‌شود (Ibid.).

- **متغیرهای مستقل:** این متغیرها از قدرت نفوذ بالا و وابستگی پایینی برخوردارند (Mandal and Deshumukh, 1994).

شکل ۱. مراحل اجرایی مدل ساختاری - تفسیری



### ۳. یافته‌های پژوهش

در ابتدا با توجه به نتایج به دست آمده از پرسشنامه‌ها، وضعیت تعاملی موانع بایکدیگر مشخص می‌شود.

جدول ۵. وضعیت تعاملی مؤلفه‌های فساد اقتصادی

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	
۱	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱	چندشغله بودن مدیران
۱	۱	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	خویشاوندپروری
۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	ضعف در تربیت نیروی انسانی متعهد
۱	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱	ناکارآمدی قوانین پیشگیری از فساد اقتصادی
۱	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱	ترویج فرهنگ راحت‌طلبی و درآمدزایی از طریق کار غیرمولد
۱	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۱	محدودیت‌های تجاری و تحریم‌های بین‌المللی
۱	۱	۰	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۰	۱	۱	۰	۱	۰	بزرگ بودن بخش عمومی اقتصاد (بخش دولتی)
۱	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	امتیازهای انحصاری در اقتصاد
۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۰	نهادینه شدن اقتصاد متکی بر نفت
۱	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۰	بی‌ثباتی در نظام اقتصادی کشور
۱	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱	نبود شفافیت اقتصادی
۱	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱	عدم اجرای مناسب سیاست‌های خصوصی‌سازی
۱	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱	محدودیت‌ها و سهمیه‌بندی‌های تجاری و ارزی
۱	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱	نبود فرهنگ پاسخ‌گویی
۰	۰	۱	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۰	پیچیدگی فرایندهای اداری و قوانین
۰	۱	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۰	اقتصاد زیرزمینی و پنهان در ساختار اقتصادی کشور
۰	۰	۱	۱	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۱	۰	۱	۱	۰	۱	۰	ارتباطات پسا‌شغلی و اشتغال مدیران سابق دولتی در بخش خصوصی
۰	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	الکترونیکی نبودن عملیات‌های دولتی (الکترونیکی بودن دولت)
۰	۰	۱	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۰	۱	۱	ضعف در حمایت از حقوق مالکیت
۱	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱	خلأهای قانونی و ساختاری در مقابله با فساد اقتصادی

مأخذ: همان.



در گام بعدی به تعیین سطح و اولویت عوامل پرداخته شد. در این مرحله ماتریس دریافتی نهایی به سطوح مختلف دسته‌بندی شد. برای تعیین سطح متغیرها در مدل نهایی، به ازای هر کدام از آنها سه مجموعه خروجی، ورودی و مشترک تشکیل شد. مجموعه خروجی شامل خود متغیر و سایر متغیرهایی بود که از آن تأثیر می‌پذیرند. به طور مشابه، مجموعه ورودی شامل خود متغیر و سایر متغیرهایی بود که بر آن متغیر تأثیر داشتند. مجموعه مشترک نیز اشتراک دو مجموعه فوق بود. چنانچه مجموعه‌های خروجی و مشترک برای یک متغیر یکسان باشد آن متغیر در بالاترین سطح مدل قرار می‌گیرد. پس از تعیین سطح هر یک از متغیرها، متغیر مذکور کنار گذاشته شده و سطح‌بندی برای سایر متغیرها به همین ترتیب تا زمانی که تمامی آنها تعیین سطح شوند، تکرار شده است. در مرحله بعدی با توجه به نتایج به دست آمده و اعمال روش پژوهش به تعیین سطح در سلسله‌مراتب مدل سازی ساختاری - تفسیری می‌پردازیم.

جدول ۶. مرحله اول تعیین سطح در سلسله‌مراتب مدل سازی ساختاری - تفسیری

شماره عوامل	عوامل	مجموعه خروجی	مجموعه ورودی	مجموعه مشترک	سطح
۱	چندشغله بودن مدیران	۱۲-۱۱-۵-۴-۱ ۲۰-۱۴-۱۳	۹-۸-۷-۶-۵-۴-۳-۲-۱ ۲۰-۱۴-۱۳-۱۲-۱۱-۱۰	۱۳-۱۲-۱۱-۵-۴-۱ ۲۰-۱۴	اول
۲	خویشاوندپروری	۱۳-۵-۳-۲-۱	۱۸-۱۶-۷-۶-۳-۲	۳-۲	
۳	ضعف در تربیت نیروی انسانی متعهد	۲۰-۱۲-۴-۳-۲-۱	۱۹-۱۷-۱۵-۸-۳-۲	۳-۲	
۴	ناکارآمدی قوانین پیشگیری از فساد اقتصادی	۱۲-۱۱-۵-۴-۱ ۲۰-۱۴-۱۳	۱۲-۱۱-۷-۶-۵-۴-۳-۱ ۲۰-۱۹-۱۷-۱۴-۱۳	۱۳-۱۲-۱۱-۵-۴-۱ ۲۰-۱۴	اول
۵	ترویج فرهنگ راحت‌طلبی و درآمدزایی از طریق کار غیرمولد	۱۲-۱۱-۵-۴-۱ ۲۰-۱۴-۱۳	۱۳-۱۲-۱۱-۱۰-۵-۴-۲-۱ ۲۰-۱۷-۱۶-۱۴	۱۳-۱۲-۱۱-۵-۴-۱ ۲۰-۱۴	اول
۶	محدودیت‌های تجاری و تحریم‌های بین‌المللی	۱۲-۶-۴-۲-۱ ۲۰-۱۶-۱۵	۱۶-۱۵-۷-۶	۱۶-۱۵-۶	
۷	بزرگ بودن بخش عمومی اقتصاد (بخش دولتی)	۸-۷-۶-۴-۲-۱ ۱۹-۱۷-۱۶-۱۳-۹	۱۹-۱۸-۱۷-۷	۱۹-۱۷-۷	
۸	امتیازهای انحصاری در اقتصاد	۱۲-۱۱-۹-۸-۳-۱ ۱۵-۱۳	۱۸-۹-۸-۷	۹-۸	
۹	نهادینه شدن اقتصاد متکی بر نفت	۱۶-۱۴-۹-۸-۱	۹-۸-۷	۹-۸	
۱۰	بی‌ثباتی در نظام اقتصادی کشور	۱۹-۱۸-۱۱-۱۰-۵-۱	۱۸-۱۰	۱۸-۱۰	
۱۱	نبود شفافیت اقتصادی	۱۲-۱۱-۵-۴-۱ ۲۰-۱۴-۱۳	۱۲-۱۱-۱۰-۸-۷-۵-۴-۱ ۲۰-۱۸-۱۷-۱۵-۱۴-۱۳	۱۳-۱۲-۱۱-۵-۴-۱ ۲۰-۱۴	اول
۱۲	عدم اجرای مناسب سیاست‌های خصوصی‌سازی	۱۲-۱۱-۵-۴-۱ ۲۰-۱۴-۱۳	۱۲-۱۱-۸-۶-۵-۴-۳-۱ ۲۰-۱۸-۱۴-۱۳	۱۳-۱۲-۱۱-۵-۴-۱ ۲۰-۱۴	اول

شماره عوامل	عوامل	مجموعه خروجی	مجموعه ورودی	مجموعه مشترک	سطح
۱۳	محدودیت‌ها و سهمیه‌بندی‌های تجاری و آزری	-۱۲-۱۱-۵-۴-۱ ۲۰-۱۴-۱۳	-۱۲-۱۱-۸-۷-۵-۴-۲-۱ ۲۰-۱۶-۱۴-۱۳	-۱۳-۱۲-۱۱-۵-۴-۱ ۲۰-۱۴	اول
۱۴	نبود فرهنگ پاسخ‌گویی	-۱۲-۱۱-۵-۴-۱ ۲۰-۱۴-۱۳	-۱۴-۱۳-۱۲-۱۱-۹-۵-۴-۱ ۲۰-۱۸-۱۷	-۱۳-۱۲-۱۱-۵-۴-۱ ۲۰-۱۴	اول
۱۵	پیشگیری فرایندهای اداری و قوانین	۱۶-۱۵-۱۱-۶-۳	۱۹-۱۸-۱۶-۱۵-۸-۶	۱۶-۱۵-۶	
۱۶	اقتصاد زیرزمینی و پنهان در ساختار اقتصادی کشور	-۱۳-۶-۵-۲ ۱۶-۱۵	-۱۷-۱۶-۱۵-۹-۷-۶ ۱۹-۱۸	۱۶-۱۵-۶	
۱۷	ارتباطات پسا‌شغلی و اشتغال مدیران سابق دولتی در بخش خصوصی	-۱۱-۷-۵-۴-۳ ۱۹-۱۷-۱۶-۱۴	۱۹-۱۸-۱۷-۹-۷	۱۹-۱۷-۷	
۱۸	الکترونیکی نبودن عملیات‌های دولتی (الکترونیکی بودن دولت)	-۱۱-۱۰-۸-۷-۲ -۱۶-۱۵-۱۴-۱۲ ۲۰-۱۹-۱۸-۱۷	۱۸-۱۰	۱۸-۱۰	
۱۹	ضعف در حمایت از حقوق مالکیت	-۱۶-۱۵-۷-۴-۳ ۲۰-۱۹-۱۷	۱۹-۱۸-۱۷-۱۰-۷	۱۹-۱۸-۱۷-۷	
۲۰	خلأهای قانونی و ساختاری در مقابله با فساد اقتصادی	-۱۲-۱۱-۵-۴-۱ ۲۰-۱۴-۱۳	-۱۳-۱۲-۱۱-۶-۵-۴-۳-۱ ۲۰-۱۹-۱۸-۱۴	-۱۳-۱۲-۱۱-۵-۴-۱ ۲۰-۱۴	اول

مأخذ: همان.

### جدول ۷. مرحله دوم تعیین سطح در سلسله‌مراتب مدل سازی ساختاری - تفسیری

شماره عوامل	عوامل	مجموعه خروجی	مجموعه ورودی	مجموعه	سطح
۲	خویشاوندپروری	۳-۲	۱۸-۱۶-۷-۶-۳-۲	۳-۲	دوم
۳	ضعف در تربیت نیروی انسانی متعهد	۳-۲	۱۹-۱۷-۱۵-۸-۳-۲	۳-۲	دوم
۶	محدودیت‌های تجاری و تحریم‌های بین‌المللی	۱۶-۱۵-۶-۲	۱۶-۱۵-۶	۱۶-۱۵-۶	
۷	بزرگ بودن بخش عمومی اقتصاد (بخش دولتی)	-۸-۷-۶-۲ ۱۹-۱۷-۱۶-۹	۱۹-۱۸-۱۷-۷	۱۹-۱۷-۷	
۸	امتیازهای انحصاری در اقتصاد	۱۵-۹-۸-۳	۱۸-۹-۸-۷	۹-۸	
۹	نهادینه شدن اقتصاد متکی بر نفت	۱۶-۹-۸	۹-۸-۷	۹-۸	
۱۰	بی‌ثباتی در نظام اقتصادی کشور	۱۹-۱۸-۱۰	۱۸-۱۰	۱۸-۱۰	
۱۵	پیشگیری فرایندهای اداری و قوانین	۱۶-۱۵-۶-۳	۱۹-۱۸-۱۶-۱۵-۸-۶	۱۶-۱۵-۶	
۱۶	اقتصاد زیرزمینی و پنهان در ساختار اقتصادی کشور	۱۶-۱۵-۶-۲	-۱۷-۱۶-۱۵-۹-۷-۶ ۱۹-۱۸	۱۶-۱۵-۶	
۱۷	ارتباطات پسا‌شغلی و اشتغال مدیران سابق دولتی در بخش خصوصی	-۱۶-۷-۳ ۱۹-۱۷	۱۹-۱۸-۱۷-۹-۷	۱۹-۱۷-۷	
۱۸	الکترونیکی نبودن عملیات‌های دولتی (الکترونیکی بودن دولت)	-۱۵-۱۰-۸-۷-۲ ۱۹-۱۸-۱۷-۱۶	۱۸-۱۰	۱۸-۱۰	
۱۹	ضعف در حمایت از حقوق مالکیت	-۱۵-۷-۴-۳ ۱۹-۱۷-۱۶	۱۹-۱۸-۱۷-۱۰-۷	-۱۷-۷ ۱۹-۱۸	

مأخذ: همان.

جدول ۸. مرحله سوم تعیین سطح در سلسله‌مراتب مدل سازی ساختاری - تفسیری

شماره عوامل	عوامل	مجموعه خروجی	مجموعه ورودی	مجموعه سطح
۶	محدودیت‌های تجاری و تحریم‌های بین‌المللی	۱۶-۱۵-۶	۱۶-۱۵-۶	سوم
۷	بزرگ بودن بخش عمومی اقتصاد (بخش دولتی)	۹-۸-۷-۶ ۱۹-۱۷-۱۶	۱۹-۱۸-۱۷-۷	۱۹-۱۷-۷
۸	امتیازهای انحصاری در اقتصاد	۱۵-۹-۸	۱۸-۹-۸-۷	۹-۸
۹	نهادینه شدن اقتصاد متکی بر نفت	۱۶-۹-۸	۹-۸-۷	۹-۸
۱۰	بی‌ثباتی در نظام اقتصادی کشور	۱۹-۱۸-۱۰	۱۸-۱۰	۱۸-۱۰
۱۵	پیچیدگی فرایندهای اداری و قوانین	۱۶-۱۵-۶	-۱۶-۱۵-۸-۶ ۱۹-۱۸	سوم
۱۶	اقتصاد زیرزمینی و پنهان در ساختار اقتصادی کشور	۱۶-۱۵-۶	-۱۶-۱۵-۹-۷-۶ ۱۹-۱۸-۱۷	سوم
۱۷	ارتباطات پساشغلی و اشتغال مدیران سابق دولتی در بخش خصوصی	۱۹-۱۷-۱۶-۷	۱۹-۱۸-۱۷-۹-۷	۱۹-۱۷-۷
۱۸	الکترونیکی نبودن عملیات‌های دولتی (الکترونیکی بودن دولت)	-۱۵-۱۰-۸-۷ ۱۹-۱۸-۱۷-۱۶	۱۸-۱۰	۱۸-۱۰
۱۹	ضعف در حمایت از حقوق مالکیت	-۱۶-۱۵-۷ ۱۹-۱۷	۱۹-۱۸-۱۷-۱۰-۷	-۱۷-۷ ۱۹-۱۸

مأخذ: همان.

جدول ۹. مرحله چهارم تعیین سطح در سلسله‌مراتب مدل سازی ساختاری - تفسیری

شماره عوامل	عوامل	مجموعه خروجی	مجموعه ورودی	مجموعه سطح
۷	بزرگ بودن بخش عمومی اقتصاد (بخش دولتی)	-۹-۸-۷ ۱۹-۱۷	-۱۷-۷ ۱۹-۱۸	۱۹-۱۷-۷
۸	امتیازهای انحصاری در اقتصاد	۹-۸	۱۸-۹-۸-۷	چهارم
۹	نهادینه شدن اقتصاد متکی بر نفت	۹-۸	۹-۸-۷	چهارم
۱۰	بی‌ثباتی در نظام اقتصادی کشور	۱۹-۱۸-۱۰	۱۸-۱۰	۱۸-۱۰
۱۷	ارتباطات پساشغلی و اشتغال مدیران سابق دولتی در بخش خصوصی	۱۹-۱۷-۷	-۱۷-۹-۷ ۱۹-۱۸	۱۹-۱۷-۷
۱۸	الکترونیکی نبودن عملیات‌های دولتی (الکترونیکی بودن دولت)	-۱۰-۸-۷ ۱۹-۱۸-۱۷	۱۸-۱۰	۱۸-۱۰
۱۹	ضعف در حمایت از حقوق مالکیت	۱۹-۱۷-۷	-۱۷-۱۰-۷ ۱۹-۱۸	۱۹-۱۸-۱۷-۷

مأخذ: همان.

جدول ۱۰. مرحله پنجم تعیین سطح در سلسله مراتب مدل سازی ساختاری - تفسیری

شماره عوامل	عوامل	مجموعه خروجی	مجموعه ورودی	مجموعه	سطح
۷	بزرگ بودن بخش عمومی اقتصاد (بخش دولتی)	۱۹-۱۷-۷	۱۹-۱۸-۱۷-۷	۱۹-۱۷-۷	پنجم
۱۰	بی ثباتی در نظام اقتصادی کشور	۱۹-۱۸-۱۰	۱۸-۱۰	۱۸-۱۰	
۱۷	ارتباطات پسا شغلی و اشتغال مدیران سابق دولتی در بخش خصوصی	۱۹-۱۷-۷	۱۹-۱۸-۱۷-۹-۷	۱۹-۱۷-۷	پنجم
۱۸	الکترونیکی نبودن عملیات های دولتی (الکترونیکی بودن دولت)	۱۹-۱۸-۷-۸-۱۰-۱۷-	۱۸-۱۰	۱۸-۱۰	
۱۹	ضعف در حمایت از حقوق مالکیت	۱۹-۱۷-۷	۱۹-۱۸-۱۷-۸-۷	۱۹-۱۷-۷	پنجم

مأخذ: همان.

جدول ۱۱. مرحله ششم تعیین سطح در سلسله مراتب مدل سازی ساختاری - تفسیری

شماره عوامل	عوامل	مجموعه خروجی	مجموعه ورودی	مجموعه	سطح
۱۰	بی ثباتی در نظام اقتصادی کشور	۱۸-۱۰	۱۸-۱۰	۱۸-۱۰	ششم
۱۸	الکترونیکی نبودن عملیات های دولتی (الکترونیکی بودن دولت)	۱۸-۱۰	۱۸-۱۰	۱۸-۱۰	ششم

مأخذ: همان.

پس از طی مراحل روش پژوهشی، ابتدا ماتریس خود تعاملی ساختاری و سپس ماتریس های دریافتی اولیه و نهایی به دست آمدند و در نهایت تعیین سطح متغیرهای پژوهشی انجام شد.



با توجه به دارا بودن بالاترین سطح تأثیرگذاری جزء متغیرهای مؤثر سطح بندی می شوند. در سطح دوم متغیرهایی مانند خویشاوندپروری و ضعف در تربیت نیروی انسانی متعهد قرار می گیرند که به عنوان عوامل کلیدی بعد از متغیرهای سطح اول قرار می گیرند. در سطح سوم متغیرهای محدودیت های تجاری و تحریم های بین المللی، پیچیدگی فرایندهای اداری و قوانین و اقتصاد زیرزمینی و پنهان در ساختار اقتصادی کشور قرار می گیرند. در سطح چهارم متغیرهای امتیازهای انحصاری در اقتصاد و نهادینه شدن اقتصاد متکی بر نفت قرار خواهند گرفت. با توجه به جهت پیکان ها می توان مدل به دست آمده را این گونه صورت تفسیر کرد که عوامل چندشغله بودن مدیر، ناکارآمدی قوانین پیشگیری از فساد اقتصادی، ترویج فرهنگ راحت طلبی و درآمدزایی از طریق کار غیرمولد، خلأهای ساختاری و قانونی در مقابله با فساد اقتصادی، نبود شفافیت اقتصادی، عدم اجرای مناسب سیاست های خصوصی سازی، محدودیت ها و سهمیه بندی های تجاری و ارزی، نبود فرهنگ پاسخ گویی جزء عوامل زمینه ای برای ایجاد فساد اقتصادی هستند. با توجه به بحث بالا می توان نتیجه گیری کرد که همه عوامل (اگرچه با درجات متفاوت) در رخ دادن فساد اقتصادی مهم هستند و سطح بندی و اولویت بندی آنها فقط به دلیل درک بیشتر و شناخت عوامل تأثیرگذارتر است.

### شکل ۳. تحلیل میک مک

قدرت نفوذ	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰
۲۰																					
۱۹																					
۱۸																					
۱۷																					
۱۶																					
۱۵																					
۱۴																					
۱۳		۱۸																			
۱۲				۷																	
۱۱																					
۱۰																					
۹				۱۷																	
۸				۶۸	۱۹				۱۴	۵۱۲۰۱۳۰۲۰	۴	۱۱	۱								
۷																					
۶		۱۰				۳	۱۶														
۵			۹			۳۰۵															
۴																					
۳																					
۲																					
۱																					
۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	

میزان وابستگی

مأخذ: همان.

با توجه به تحلیل میک‌مک، قدرت نفوذ (میزان تأثیرگذاری عامل مربوطه بر عوامل دیگر) و میزان وابستگی (میزان تأثیرپذیر عامل مربوطه از سایر عوامل) مشخص می‌شود. این شکل ماتریس را به چهار حالت تقسیم‌بندی می‌کند که سمت چپ بالا را ناحیه عوامل یا متغیرهای مستقل، ناحیه چپ پایین را عوامل یا متغیرهای خودمختار، ناحیه راست بالا را عوامل یا متغیرهای رابط و ناحیه راست پایین را عوامل یا متغیرهای مستقل می‌نامند. با توجه به تحلیل میک‌مک پژوهش حاضر عوامل شماره ۷ و ۱۸ یعنی عوامل بزرگ بودن بخش عمومی اقتصاد (بخش دولتی) و الکترونیکی نبودن عملیات‌های دولتی (الکترونیکی بودن دولت) در ناحیه عوامل مستقل هستند که وابستگی و اثرپذیری کمتر از سایر عوامل دارند و بیشترین میزان اثرگذاری و هدایت سایر عوامل را دارا هستند. برای کاهش فساد اقتصادی و اثرگذاری بر سایر عوامل باید در این دو عامل بیشتر از سایر عوامل هزینه و سرمایه‌گذاری کرد تا بیشترین بازده از سیاست‌های مقابله با فساد اقتصادی حاصل شود. در مقابل عوامل شماره ۱۴، ۱۱، ۴، ۲۰، ۱۳، ۱۲، ۵ و ۱ یعنی به ترتیب عوامل نبود فرهنگ پاسخ‌گویی، نبود شفافیت اقتصادی، ناکارآمدی قوانین پیشگیری از فساد اقتصادی، خلأهای قانونی و ساختاری در مقابله با فساد اقتصادی، محدودیت‌ها و سهمیه‌بندی‌های تجاری و ارزی، عدم اجرای مناسب سیاست‌های خصوصی‌سازی، ترویج فرهنگ راحت‌طلبی و درآمدزایی از طریق کار غیرمولد و چندشغله بودن مدیران را مشاهده می‌کنیم که وابستگی زیادی دارند؛ در واقع این عوامل اصولاً تأثیرپذیری بالایی از سیستم دارند اما تأثیر زیادی بر سیستم ندارند. از طرفی در سمت چپ پایین این ماتریس عوامل با شماره‌های ۱۰، ۹، ۱۷، ۶، ۸، ۱۹، ۳، ۲، ۱۵ و ۱۶ یعنی به ترتیب عوامل بی‌ثباتی در نظام اقتصادی کشور، امتیازهای انحصاری در اقتصاد، ارتباطات پسا‌شغلی و اشتغال مدیران سابق دولتی در بخش خصوصی، محدودیت‌های تجاری و تحریم‌های بین‌المللی، امتیازهای انحصاری در اقتصاد، ضعف در حمایت از حقوق مالکیت، ضعف در تربیت نیروی انسانی متعهد، خویشاوندپروری، ترویج فرهنگ راحت‌طلبی و درآمدزایی از طریق کار غیرمولد و اقتصاد زیرزمینی و پنهان در ساختار اقتصادی کشور وجود دارند که در ناحیه عوامل خودمختار قرار گرفته‌اند. این عوامل عموماً از سیستم جدا می‌شوند زیرا اتصالات ضعیف با سیستم دارند و تغییر در آنها باعث تغییر جدی در سیستم نمی‌شود.

#### ۴. جمع بندی و نتیجه گیری

فساد اقتصادی امروزه با جهان غریبه نیست و تقریباً در همه کشورهای دنیا با وجود ساختارهای سیاسی متفاوت و نیز مراحل توسعه اقتصادی مختلف وجود دارد (Song, Chang and Gong 2020: 1). فساد اقتصادی به معنای تخصیص نادرست و ناکارآمد منابع دولتی و خدمات رفاهی یک کشور است. کشورهایی که سطح فساد اقتصادی بالایی دارند؛ کارآفرینان، بنگاه های اقتصادی نوپا و مشتاق ورود به فعالیت های اقتصادی باید هزینه های زیادی را به عنوان رشوه برای دریافت مجوزهای اقتصادی خرج کنند. اگر فعالیت های فساد اقتصادی پرسود باشد؛ عده ای به سمت این فعالیت ها مشتاق خواهند بود که در نهایت موجب کاهش سطوح آموزش و تکنولوژی کشور می شود (Pulido et al., 2020: 2). ایران نیز از ناحیه فساد اقتصادی همواره در معرض تهدید بوده است؛ اما برای کاستن از این تهدید می توان عوامل مؤثر بر شکل گیری فساد اقتصادی را با توجه به منابع مطالعاتی و پژوهشی مورد بررسی قرار داد و آنها را دسته بندی کرد. از این رو در مقاله حاضر ابتدا پیشینه و ادبیات مفهومی این موضوع مورد بررسی قرار گرفت و نظریه های موجود در موضوع فساد اقتصادی مشخص شد. در این مقاله سعی شد ضمن بیان اهمیت و مفهوم فساد اقتصادی، به مدل سازی با استفاده از فاکتورهای اصلی و تأثیرگذار بر فساد اقتصادی و برقراری ارتباط بین آنها پرداخته شود. بر این اساس برای شناسایی عوامل اصلی و اساسی با استفاده از بررسی ادبیات و مصاحبه های خبرگانی این عوامل شناسایی و با استفاده از تکنیک مدل سازی ساختاری - تفسیری به یکپارچه سازی نظرات خبرگان، ارتباط و توالی آنها پرداخته شد.

هدف پژوهش حاضر تعیین عوامل زیربنایی و اساسی در شکل گیری فساد اقتصاد جمهوری اسلامی ایران است تا با شناخت آن بتوان از رخ دادن چنین پدیده ای در کشور جلوگیری کرد. از این رو با استفاده از نظرات نخبگانی یک مدل ساختاری از همه عوامل به دست آمد. در مدل مذکور، بی ثبات در سیستم اقتصادی کشور و الکترونیکی نبودن عملیات های دولتی (الکترونیکی بودن دولت) به عنوان مبانی مدل طراحی شده است که در پایین ترین سطح (سطح ششم از نظر رتبه بندی) تعیین شده است. این عامل ها بیشترین ارتباط و تأثیرگذاری را در سیستم ایفا می کنند. در سطح بعدی، ارتباطات پسا شغلی و اشتغال



مدیران سابق دولتی در بخش خصوصی، ضعف در حمایت از حقوق مالکیت و بزرگ بودن بخش عمومی اقتصاد (بخش دولتی) قرار دارند که از فاکتورهای سطح اول تأثیر می‌گیرند. فاکتورهای امتیازهای انحصاری در اقتصاد و نهادینه شدن اقتصاد متکی بر نفت در سطح چهارم مدل قرار دادند. در نهایت فاکتورهای چندشغله بودن مدیران، ناکارآمدی قوانین پیشگیری از فساد اقتصادی، ترویج فرهنگ راحت‌طلبی و درآمدزایی از طریق کار غیرمولد، نبود شفافیت اقتصادی، عدم اجرای مناسب سیاست‌های خصوصی‌سازی، محدودیت‌ها و سهمیه‌بندی‌های تجاری و ارزی، نبود فرهنگ پاسخ‌گویی و خلأهای قانونی و ساختاری در مقابله با فساد اقتصادی قرار می‌گیرند که نشان‌دهنده نتیجه تأثیرگذاری همه عوامل در مدل فساد اقتصادی است که خود از علل دیگری (عوامل سطوح پایین‌تر) نشئت می‌گیرند. در نهایت از تحلیل میک‌مک استفاده شده است که نتایج حاصل از آن نشان می‌دهد که فاکتورهای بی‌ثباتی در نظام اقتصادی کشور، ناکارآمدی قوانین پیشگیری از فساد اقتصادی، امتیازهای انحصاری در اقتصاد و نهادینه شدن اقتصاد متکی بر نفت در قسمت عوامل مستقل قرار دارند که کلیدی‌ترین گروه در طراحی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری فساد اقتصادی و دارای نیروی نفوذ قوی هستند؛ اما وابستگی آنها به سایر مؤلفه‌ها ضعیف است. در بین این عوامل مؤلفه بی‌ثباتی در نظام اقتصادی کشور دارای بیشترین تأثیرگذاری و کمترین اثرپذیری از نظام است؛ از این‌رو برای ایجاد تغییر اساسی در سیستم که بتواند مؤثر باشد و اثر آن از بین نرود باید از طریق سیاستگذاری بر عامل‌ها این مهم حاصل شود تا به نتیجه بهبود برسیم. از طرفی عوامل ترویج فرهنگ راحت‌طلبی و درآمدزایی از طریق کار غیرمولد، چندشغله بودن مدیران، خویشاوندپروری، ضعف در تربیت نیروی انسانی متعهد و محدودیت‌های تجاری و تحریم‌های بین‌المللی، از مؤلفه‌های وابسته به مدل شناسایی شده‌اند که تأثیرپذیری زیاد و قدرت نفوذ و تأثیرگذاری کم را نشان می‌دهد. واقع بیانگر این نکته است که مشکل فساد اقتصادی از طریق سیاستگذاری بر عوامل از بین نمی‌رود و فقط موجب هدررفت منابع خواهد شد.

از جمله محدودیت‌هایی که در پژوهش حاضر با آن مواجه بودیم، مسئله و مفهوم فساد اقتصادی بود که مفهومی عام است که رشته و گرایش علمی به خصوصی در مباحث

اقتصادی ندارد و از طرفی می‌توان در تمامی پدیده‌های اقتصادی نیز چنین فساد را مشاهده کرد. از محدودیت‌های دیگر پژوهش حاضر می‌توان به مسئله انتخاب نخبگانی اشاره کرد که علاوه بر استفاده از کارهای کتابخانه‌ای و پژوهش‌های موجود و نظرات نخبگانی دانشگاهی و مدیران اجرایی در رشته‌های مختلف اقتصادی، برای درک چنین مفهومی تقریباً باید از تمامی گرایش‌های اقتصادی و همچنین با تجربه‌های مختلف کاری استفاده کرد که عملاً چنین امکانی خارج از دسترس است و باید از جامعه در دسترس استفاده کرد. محدودیت دیگر تحقیق حاضر طولانی بودن پرسشنامه تحقیق بود که می‌بایست یک ماتریس ۲۰\*۲۰ براساس روابط علی و معلولی علل مختلف فساد اقتصادی تکمیل شود که هر پاسخگو باید به بیش از دویست سؤال چهارگزینه‌ای پاسخ دهد. این کار موجب زمانبر شدن روند پاسخگویی و احتمالاً کاهش تمرکز در مراحل تست‌های آخر می‌شد.

با توجه به بررسی پژوهش‌های داخلی و خارجی به این نتیجه رسیدیم که تحقیقات موجود بیشتر به بررسی رابطه فساد اقتصادی و رشد اقتصادی در کشورهای مختلف متمرکز شده بودند و از بررسی علل فساد اقتصادی که موجب چنین ناکارآمدی سیاستی و حکومتی می‌شود؛ رویگردان بودند. در این تحقیق تلاش شد تا علل فساد اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران با توجه به نظرات نخبگانی و پژوهش‌های موجود بررسی و مدل‌سازی و عامل مهم و اثرگذار بر فساد اقتصادی کشور مشخص شود.

برای پژوهش‌های آتی می‌توان پیشنهادهایی نظیر موارد ذیل را توصیه کرد:

- بررسی فساد اقتصادی با توجه به عوامل به دست آمده از پژوهش حاضر در هر کدام از بخش‌های مختلف اقتصادی،
- بررسی محاسبه اندازه و شدت علل فساد اقتصادی در صنایع مختلف تأثیرگذار در اقتصاد کشور،
- بررسی راهکارهای موجود و بالقوه برای کاهش اثرگذاری هر کدام از علل فساد اقتصادی،
- ارائه مدل بهینه‌یابی سازمانی در جهت کمینه کردن فساد اقتصادی در بخش‌های مختلف اقتصادی.

با توجه به پژوهش حاضر توصیه‌های سیاستی ذیل برای مقابله با فساد اقتصادی پیشنهاد می‌شود:

- بررسی و ایجاد راهکارهای کوچک‌سازی اندازه بخش عمومی اقتصاد (بخش دولتی) و جایگزین کردن بخش خصوصی به جای بخش دولتی در فعالیتهای اقتصادی،
- حرکت به سمت الکترونیکی کردن عملیتهای دولتی،
- توجه ویژه به روند اجرای سیاست‌های خصوصی‌سازی در کشور با توجه به نوع بنگاه‌های دولتی و جایگاه استراتژیک آنها در اقتصاد و اصلاح قوانین موجود و تعریف قوانین جدید خصوصی‌سازی،
- ترویج فرهنگ و روحیه کار و نوآوری از مقاطع تحصیلی پایه در کشور،
- ایجاد قوانین سخت‌گیرانه در برخورد با مدیران متخلف اقتصادی و پر کردن خلأهای قانونی در این حوزه.

## منابع و مآخذ

۱. اعظمی مقدم، مجید (۱۳۹۰). «مفهوم‌شناسی جرم اقتصادی یا فساد اقتصادی»، *کارآگاه*، دوره ۵، ش ۱۶.
۲. آذر، عادل و کریم بیات (۱۳۸۷). «طراحی مدل فرایند محوری کسب و کار با رویکرد مدل سازی ساختاری-تفسیری»، *مدیریت فناوری اطلاعات*، دوره ۱، ش ۱.
۳. آذر، عادل، فرزانه خسروانی و رضا جلالی (۱۳۹۲). *تحقیق در عملیات نرم رویکردهای ساختاردهی*، چاپ اول، تهران، سازمان مدیریت صنعتی.
۴. برومند، شهزاد (۱۳۸۷). «فساد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و رشد اقتصادی (مطالعه موردی: ایران)»، *فصلنامه اقتصاد مقداری (بررسی‌های اقتصادی سابق)*، دوره پنجم، ش ۲.
۵. پاداش، حمید، اسماعیل حسن پور و امیررضا خسروی (۱۳۹۰). «تبیین رشد اقتصادی ایران با رویکرد نهادی، نقش آزادی اقتصادی، آزادی سیاسی و فساد بر رشد اقتصادی ایران»، *دانش ملی تحلیل اوراق بهادار*، ش ۹.
۶. تقوی، مهدی، هاشم نیکومرام، فرهاد غفاری و صدیقه طوطیان (۱۳۹۰). «رابطه فساد اداری و رشد اقتصادی در کشورهای عضو اپک» *فصلنامه مدیریت*، سال ۸، ش ۲۱.
۷. دادخدایی، لیلیا (۱۳۸۹). «مفهوم جرم اقتصادی و تحولات آن»، *تعالی حقوق*، سال ۲، ش ۶.
۸. دادگر، حسن (۱۳۸۲). «رویکرد اقتصادی به شیوع فساد مالی در اقتصاد کشور»، *مجله اقتصاد اسلامی*، دوره ۳، ش ۱۱.
۹. رجب پور، ابراهیم (۱۳۹۴). «مدل سازی ساختاری تفسیری از عوامل مؤثر بر آمادگی الکترونیکی»، *مطالعات مدیریت کسب و کار هوشمند*، ش ۱۳.
۱۰. روستایی، مهرانگیز (۱۳۸۸). «ارزیابی مداخله کیفی در حوزه جرائم اقتصادی»، *نشریه کارآگاه*، سال ۲، ش ۷.
۱۱. رهنورد، فرج‌اله، حبیب‌اله طاهرپور کلانتری و اعظم رشیدی (۱۳۸۸). «شناسایی عوامل مؤثر بر فساد مالی در بین کارکنان دستگاه‌های اجرایی»، *پژوهشنامه مدیریت اجرایی*، سال ۱۰، ش ۱.
۱۲. زمانی، علی اکبر (۱۳۸۸). «درآمدی بر ابعاد مفاسد و جرائم اقتصادی و پیامدهای آن بر امنیت ملی»، *نشریه کارآگاه*، دوره ۳، ش ۷.
۱۳. سرکشکیان، سید محمد حسین (۱۳۸۸). «سازوکارهای مبارزه با مفاسد اقتصادی در نظام حکومتی امام علی (ع)»، *نشریه کارآگاه*، سال ۲، ش ۷.
۱۴. شالوند، عبدالعلی (۱۳۸۴). «اختلاس و فساد اداری، آفت توسعه»، *مجلس و پژوهش*، سال ۵، ش ۲۵.
۱۵. صامتی، مرتضی، روح‌اله شهنازی و زهرا دهقان شبانی (۱۳۸۵). «بررسی اثر آزادی اقتصادی بر فساد

طراحی مدل عوامل مؤثر بر شکل‌گیری فساد اقتصادی در ایران با رویکرد مدل‌سازی ساختاری - تفسیری — ۳۳۳

- مالی، «فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، سال ۸، ش ۲۸.
۱۶. صباحی، احمد و سعید ملک‌الساداتی (۱۳۸۸). «اثر کنترل فساد مالی بر رشد اقتصادی»، فصلنامه پژوهش‌های بازرگانی، ش ۵۳.
۱۷. عباسی، اصغر (۱۳۸۵). «بررسی مساعی بین‌المللی در زمینه مبارزه با پولشویی و رویکرد نظام حقوقی ایران در قبال آن»، با راهنمایی ایرج گلدوزیان، رساله دکتری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۱۸. عزتی، مرتضی و بهمن کریمی گلنار (۱۳۹۳). «طراحی شاخص بومی برای اندازه‌گیری فساد اقتصادی»، فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، سال ۲، ش ۶.
۱۹. عظیمی، حسین، علی عطارفر و علی شائمی بزرگی (۱۳۹۰). «بررسی تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم عوامل مدیریتی و سازمانی بر فساد اداری - مالی (مطالعه موردی: سازمان‌های دولتی مراکز استان‌های اصفهان و زنجان)»، مدیریت فرهنگ سازمانی، دوره ۹، ش ۲.
۲۰. غضنفری، حسین، سیدحمید حسینی خداداد، اسداله کردنائیج و عادل آذر (۱۳۹۸). «مدل سطح‌بندی عوامل مؤثر بر به‌کارگیری راهبرد سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز شرکتی با رویکرد مدل‌سازی ساختاری تفسیری»، فصلنامه علمی - پژوهشی دانش سرمایه‌گذاری، دوره ۸، ش ۳۱.
۲۱. کریمی پتانلار، سعید، محمد بابازاده و نعیمه حمیدی (۱۳۹۱). «اثر فساد مالی بر ترکیب مخارج دولت: مطالعه موردی کشورهای منتخب در حال توسعه»، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی (رویکرد اسلامی - ایرانی)، سال ۱۲، ش ۴۶.
۲۲. کیانی، پاکنوش و علی اصغر پورعزت (۱۳۹۲). «بررسی عوامل مؤثر بر کاهش فساد مالی در سازمان‌های دولتی و مؤسسه‌های پژوهشی»، نشریه مطالعات کمی در مدیریت، سال ۴، ش ۳.
۲۳. همدی خطبه‌سرا، ابوالفضل (۱۳۸۷). فساد مالی، علل زمینه‌ها و راهبردهای مبارزه با آن، چاپ دوم، تهران، نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی.

24. Agarwal, Ashish, Ravi Shankar and M.K. Tiwarib (2006). "Modeling the Metrics of Lean, Agile and Leagile Supply Chain: An ANP-based Approach", *European Journal of Operational Research*, 173(1).

25. Alfada, Anisah (2019). "The Destructive Effect of Corruption on Economic Growth in Indonesia: A threshold Model", *Journal of Heliyon*, Vol. 5, Issue. 10.

26. Arayankalam, Jithesh, Anupriya Khan, Satish Krishnan (2020). "How to Deal

- with Corruption? Examining the Roles of E-government Maturity, Government Administrative Effectiveness and Virtual Social Networks Diffusion", *International Journal of Information Management*, 58(4).
27. Blackburn, Keith and Jonathan Powell (2011). "Corruption, Inflation and Growth", *Economics Letters*, Vol. 113, Issue. 3.
28. Erum, Naila and Shahzad Hussain (2019). "Corruption, Natural Resources and Economic Growth: Evidence from OIC Countries", *Journal of Resources Policy*, 63.
29. Everhart, Stephen, Jore Martinez and Robert McNab (2009). "Corruption, Governance, Investment and Growth in Emerging Markets", *Applied Economics*, 41.
30. Glenn, C. T. (2010). *Corruption and Economic Development in the Peoples Republic of China*, The University of Toledo.
31. Gründler, Klaus and Niklas Potrafke (2019). "Corruption and Economic Growth: New Empirical Evidence", *European Journal of Political Economy*, Vol. 60.
32. Jay, Pil Choi and Thum Marcel (2002). "Corruption and the Shadow Economy", *Journal of Economic Literature*, No. 35.
33. Jens, Christopher, Fjeldstad Odd-Helge and Inge Amundsen (2000). "Corruption: Critical Assessments of Contemporary Research", Report From a Multidisciplinary Workshop.
34. Mandal, Anukul and S.G. Deshmukh (1994). "Vendor Selection Using Interpretive Structural Modelling (ISM)", *International Journal of Operations and Production Management*, Vol. 14.
35. Méon, Pierre-Guillaume and Laurent Weill (2010). "Is Corruption an Efficient Grease?," *World Development*, Elsevier, Vol. 38(3).
36. Nobuo, Akai, Yusaku Horiuchi and Masayo Sakata (2005). "Short-run and Long-run Effects of Corruption on Economic Growth: Evidence from State-Level Cross-Section Data for the United States", The Bi-Annual Meeting of the Japanese

Economic Association (at Kyōto Sangyō University).

37. Park, Junghee (2012). "Corruption, Soundness of the Banking Sector, and Economic Growth: A Cross-country Study", *Journal of International Money and Finance*, Vol. 31, Issue 5.
38. Pulido, Nicol as Ronderos, Alexander Cotte Poveda, Jorge Enrique Martínez Carvajal (2020). "Corruption and Institutions: An Analysis for the Colombian Case", *Journal of Heliyon*, Vol. 6, Issue. 9.
39. Ravi. V. and Ravi Shankar (2005). "Analysis of Interactions Among the Barriers of Reverse Logistics", *Journal of Technological Forecasting and Social Change*, Vol. 72, No. 8.
40. Schneider, Friedrich (2006). "Shadow Economies and Corruption All Over the World: What Do We Really Know?", *Johannes Kepler University of Linz and IZA Bonn Discussion Paper*, No. 2315.
41. Song, Chang-Qing, Chun-Ping Chang and Qiang Gong (2020). "Economic Growth, Corruption and Financial Development: Global Evidence", *Journal of Economic Modelling*, Vol. 94.
42. Stavros, Katsios (2006). "The Shadow Economy and Corruption in Greece-south-Eastern Europe", *Journal of Economics*, No. 1.
43. Thakkar, Jitesh. J., Arun Kanda and S. G. Deshmukh (2011). "A Decision Framework for Supply Chain Planning in SMEs: A QFD-ISM-enabled ANP-GP Approach, Supply Chain Forum", *An International Journal*, Vol. 14.
44. The World Bank (2020). "Conflict of Interest, How to Identify and Manages Conflicts of Interest in Evaluation Committees".
45. Toke, S. Aidt (2003). " Economic Analysis of Corruption: A Survey", *The Economic Journal*, Vol. 113, No. 491.
46. Transparency International (2009). What is a "Conflict of Interest"?, in Anti-Corruption Movement.

